



Basics of Criminalizing Hawkers in Cyber Space

Mostafa Sheibani¹, Mohammadreza Rahmat^{*2}, Mohammad Mahdi Barghi³, Hamid Rostaei Sadrabadi³

1. Ph.D. Student of Criminal Justice and Criminology, Maybod University, Maybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Maybod University, Meybod, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Maybod University, Meybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 81-94

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4434-6954

TELL: +98 9133099217

Email: rahmat@meybod.ac.ir

Article history:

Received: 09 Aug 2023

Revised: 15 Sep 2023

Accepted: 06 Nov 2023

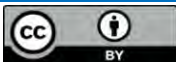
Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

*Qawadi, Virtual Space,
Jurisprudential
Foundations, Legal
Foundations.*

ABSTRACT

Leadership means bringing men and women together in order to perform illicit sexual acts, such as adultery or sexual intercourse, and according to some opinions, mashakah. By accepting the foundations and rules of Islamic Sharia, the legislative body of Iran, in articles 242 and 243 of the Islamic Penal Code approved in 2013, has criminalized panhandling in general. Now, the main question of this article is whether or not committing this behavior is basically a crime in the virtual space as well as in the real world according to the Iranian legislature. It seems that in terms of jurisprudential foundations, the application of the meanings and concepts of the existing verses and traditions regarding the practice of qawwadi, as well as the existence of intellectual evidence, as the most important jurisprudential reason in this field, the practice of leadership in any form and in any space is considered reprehensible and reprehensible. Is. In terms of legal foundations, reasons such as the application and generality of the word "disruption" in Article 242 of the Islamic Penal Code approved in 2013 and the ability to verify the three elements of the crime in cyberspace and, besides, the criminalization of committing crimes subject to the Islamic Penal Code by means of electronic systems According to Article 52 of the Law on Computer Crimes approved in 2018, all of them indicate the possibility of criminalizing this behavior in cyber space.



This is an open access article under the CC BY license. © 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Sheibani, M; Rahmat, MR; Barghi, MM & Rostaei Sadrabadi, H (2024). "Basics of Criminalizing Hawkers in Cyber Space" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 81-94.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیق

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

مبانی جرم‌انگاری قوادی در فضای مجازی

مصطفی شیبانی^۱، محمدرضا رحمت^{۲*}، محمد مهدی برغی^۳، حمید روستایی صدراآبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسؤؤل).

۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

چکیده

قیادت، به معنای بهم رسانیدن زنان و مردان به یکدیگر به منظور انجام اعمال جنسی نامشروع از جمله زنا یا لواط و مطابق برخی از نظرات، مساحقه است. دستگاه تقنینی کشور ایران با پذیرش مبانی و احکام شریعت اسلام، در مواد ۲۴۲ و ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به جرم‌انگاری قوادی به طور عام پرداخته است. حال پرسش اصلی این مقاله، آن است که آیا اساساً ارتکاب این رفتار از نظر مقنن کشور ایران علاوه بر فضای حقیقی، در فضای مجازی نیز جرم می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد از باب مبانی فقهی، اطلاق معانی و مفاهیم آیات و روایات موجود در خصوص انجام قوادی و همچنین وجود ادله عقلی به عنوان مهم‌ترین دلیل فقهی در این زمینه، انجام عمل قیادت به هر شکل و در هر فضایی را مذموم و قبیح تلقی کرده است. از باب مبانی حقوقی نیز، دلایلی همچون اطلاق و عمومیت لفظ «بهم‌رسانیدن» در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قابلیت تحقق عناصر سه‌گانه جرم در فضای مجازی و در کنار آن، جرم‌انگاری ارتکاب جرایم موضوع قانون مجازات اسلامی به وسیله سامانه‌های الکترونیکی به موجب ماده ۵۲ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، همگی دلالت بر امکان جرم‌انگاری این رفتار را در فضای مجازی را دارند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۱-۹۴

اطلاعات نویسنده مسؤؤل

کد ارکید: ۲۰۴۳-۵۵۹۲-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۳۳۰۹۹۲۱۷+

ایمیل: rahmat@meybod.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

قوادی، فضای مجازی، مبانی فقهی، مبانی حقوقی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مسئله اخلاق یکی از چالش‌هایی می‌باشد که در طول تاریخ بشریت، همواره مورد توجه مردم یک جامعه و همچنین حاکمیت مستولی بر آنان بوده است. البته، پذیرش مسائل اخلاقی به عنوان یک هنجار یا قانون در هر جامعه‌ای، بنا بر عرف و عادت حاکم بر آن جامعه و همچنین میزان پایبندی آن جامعه به مسائل مذهبی و غیرمادی، دارای شدت و ضعف می‌باشد. در کشورهایی که مسائل مذهبی به عنوان یک اصل مسلم مورد پذیرش قرار گرفته است؛ طبعاً در خصوص مسائل مرتبط با عفت و اخلاق عمومی، حساسیت‌های بیشتری وجود خواهد داشت. کشور ایران نیز به دلیل پذیرش مبانی و عقاید دین مبین اسلام و پیوند ناگسستنی که میان مذهب و فرهنگ و باور مردم، مسئله صیانت از عفت عمومی و اخلاق و جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا در جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا جایی که می‌توان گفت به عنوان بخش مهمی از هنجار و ارزش‌های بنیادین حاکم بر جامعه ایران شده است؛ بنابراین حاکمیت به عنوان متولی اصلی حفظ هنجارهای مقبول آحاد جامعه، سعی بر انطباق هرچه بیشتر احکام و دستورات اسلامی با قوانین و مقررات حاکم بر کشور در کلیه حوزه‌ها از جمله مبارزه با اشاعه فساد و فحشا در جامعه دارد. در همین راستا، یکی از رفتاری‌هایی که صراحتاً در قوانین کیفری کشور ایران و به موجب ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است، قوادی می‌باشد. عمل مذکور، در احکام و مقررات اسلامی نیز به دلیل تبعات نادرست آن، مورد تحریم واقع شده است.

اما چالش اصلی و فرضیه‌ای که در مقاله حاضر نگارنده به دنبال پاسخ به آن می‌باشد، این مسئله است که آیا اساساً می‌توان ارتکاب قوادی را مطابق فقه و قوانین کیفری کشور ایران، در فضای مجازی نیز محقق دانست یا خیر. همچنین سؤال دیگر، آن است که در صورت امکان تحقق، به چه کیفیتی پدیدار می‌شود. اهمیت این موضوع، از آن جهت است که امروزه فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بشریت، با ویژگی‌هایی مانند پیچیدگی و گستردگی، عدم محدودیت آن به مکان مشخص، گسترده

بودن مخاطبین و طیف اشخاصی که ممکن است با آن روبه‌رو شوند، ناشناخته بودن برخی از جنبه‌های این فضا و بیگانه بودن آن برای برخی از اقشار جامعه و حرفه بودن مجرمین، باعث شده است تا توجه ویژه‌ای به آن مبذول داده شود؛ همچنین ارتکاب جرایم مختلف از جمله جرایم منافی عفت و اخلاق، دیگر محدود به فضای حقیقی و فیزیکی نبوده و امکان ارتکاب آن در فضای مجازی نیز فراهم می‌باشد؛ لذا شخصی ممکن است با تأسیس یک صفحه مجازی یا کانال در شبکه‌های اجتماعی مجازی یا پایگاه‌های اینترنتی، مرتکب رفتارهای منافی اخلاق و عفت حتی گسترده‌تر از فضای حقیقی گردد. با مذاقه در قوانین کیفری کشور ایران، عدم وجود مقرر خاص قانونی، موجب به وجود آمدن ابهاماتی در خصوص امکان یا عدم امکان تحقق آن در بسرت فضای مجازی و همچنین اعمال مجازات حدی مرتکب شده است.

۱- مفهوم قوادی

«قواد» بر وزن فعال و به معنای «بسیار راننده و کشنده» و «واسطه و دلال عمل منافی عفت»، تعریف شده است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۳۲۳/۱). در معنای دیگر، به معنای «شخصی است که حیوانی را از پشت سر هدایت یا می‌راند» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۵/۸). در کتاب مجمع‌البحرین، عمل قوادی بدین شکل تعریف شده است، «القواد بالفتح والتشدید هو الذی یجمع بین الذکر و الانثی حراماً» (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۷۷/۵). شرتونی نیز به همین مضمون تعریفی را ارائه کرده و قوادی را تنها در «جمع به قصد زنا» تعریف کرده است (شرتونی، ۱۳۸۹: ۲۹۵/۱). لازم به ذکر است برخی از لغت‌شناسان، واژه «دیوث» را مترادف با قواد می‌دانند. زبیدی در تعریف واژه دیوث در کتاب خود، بیان می‌دارد که، «الذیوث الذی لا غیرة له علی حریمه، أو القواد قال هم یرجعون إلی معنی واحد؛ لأن الذیوث لا غیرة له، و یصلح للقیادة» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۰۳/۱۵). فقها نیز هریک در خصوص این جرم، تعاریفی را ارائه کرده‌اند که البته در برخی مصادیق آن، اختلاف نظر مشاهده می‌شود. برخی از ایشان تنها جمع بین «زنان و مردان» را برای انجام زنا یا لواط می‌دانند. از جمله ایشان، مرحوم محقق حلی و شیخ طوسی می‌باشند (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۹۸/۹؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۵/۳). اما گروه

۲- مبانی فقهی جرم‌انگاری قوادی در فضای مجازی

مبانی فقهی جرم‌انگاری قوادی در فضای مجازی عبارت است از:

۲-۱- قرآن

یکی از محکم‌ترین بناهای فقهی و حتی علمی در خصوص ممنوع یا مباح دانستن یک رفتار را می‌توان قرآن کریم دانست (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۹۶/۱). با جست‌وجو در آیات قرآن کریم، در خصوص قوادی نمی‌توان آیه معینی را که صراحتاً در خصوص قوادی یا قباحت و کیفر آن صحبتی به عمل آمده باشد، یافت؛ بنابراین در نگاه اول، برای این رفتار، بر مبنای قرآن قباحت یا کیفری را نمی‌توان تصور نمود؛ اما به نظر می‌رسد این سخن چندان مطلوب نیست؛ چراکه قوادی، عملی است که در نتیجه آن، دو گناه کبیره یعنی زنا و لواط که در دین مبین اسلام در قباحت و مجازات آن، آیات و روایات متعددی وجود دارد، حاصل می‌شود (ولایی، ۱۳۸۷: ۲-۱۸۰/۱-۲۱۰)؛ فلذا منطقی نخواهد بود شخصی را که مستوجب این دو عمل شنیع بوده است، قرآن کریم به عنوان آیات الهی که برای رستگاری و هدایت بشر نازل شده است، به حال خود رها کرده و در خصوص عمل او، بی‌تفاوت باشد. همچنین یکی از نتایج اصلی عمل قوادی، اشاعه فساد و فحشا در جامعه است؛ بنابراین آیاتی از قرآن کریم را که در خصوص قباحت اشاعه فساد و فحشا و در میان مردم و مبارزه با آن می‌باشد، می‌توانند حداقل به عنوان سنگ بنایی برای گناهکار دانستن قواد و جلوگیری از اعمال وی بر دانست که از جمله مهم‌ترین آنان به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۱-۲- آیه ۱۹ سوره نور

در آیه ۱۹ سوره نور آمده است: «همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید» در تبیین و تفسیر این آیه، نکات ارزشمندی قابل توجه است. در آیه مذکور، بحث اشاعه فحشا، منحصر به عمل فیزیکی آن نشده و حتی حبّ درونی و جنبه ذهنی آن نیز، مورد ملامت پروردگار قرار گرفته است. همچنین در تبیین اشاعه فحشا هرگونه انتشار و کمک به گسترش فساد و ناپاکی‌ها را شامل

دیگری از فقها، جمع بین زنان به منظور «مساحقه» را نیز مشمول عمل قوادی دانسته‌اند. شهیدثانی در شرح لمعه، قیادت را جمع میان دو فاعل برای عمل زشت، تعریف می‌کند (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۹۲: ۱۸۵/۴)؛ همچنین مرحوم خوبی نیز قوادی را «رساندن مردان و زنان برای زنا، رساندن مردان به مردان برای لواط و رساندن زنان به زنان برای مساحقه» می‌داند (خوبی، ۱۳۹۷: ۲/۲۱۵).

در خصوص بحث قوادی و حرمت آن، فقهاء با تمسک به منابع اصلی شیعه، فی‌الجمله همگی اعتقاد بر حرمت قوادی داشته و آن را مطلقاً مخالف دین و شریعت و اخلاقیات می‌دانند. اما نکته قابل ذکر در خصوص تعریف قوادی از منظر فقهاء، اختلاف نظر ایشان در خصوص قیادت به منظور انجام مساحقه است. خلاصه این نزاع را می‌توان اینگونه مقرر داشت که مشهور فقهاء مانند شهیدثانی و آیت‌الله خوبی، عمل قیادت را رساندن مردان و زنان برای زنا، رساندن مردان به مردان برای عمل لواط و رساندن زنان به زنان برای مساحقه تعریف می‌کنند؛ بنابراین نظر ایشان جمع به قصد مطلق فحشا را مصداق قوادی دانسته و در نتیجه جمع برای مساحقه را مصداق این جرم می‌دانند. به طور کلی، استدلال ایشان آن است که شنیع بودن و زشتی عمل زنا یا لواط، مشخصاً برای کسی پوشیده نیست؛ لذا از نظر آنان هرگونه واسطه شدن و هموار کردن مسیر انجام آن نیز، بدون شک عملی حرام است و حرمت آن را هر فرد دین‌داری درک کرده و هیچ اختلافی در آن نیست (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۸۵/۲؛ سیستانی، ۱۴۲۲: ۱۸۵). در مقابل این نظر، عدّه دیگری از فقهاء با عنایت به تعریف قوادی در روایات، جمع میان سحّ زنان از دایره قوادی خارج است و با عنایت به تعاریف ایشان از قوادی، تنها در واسطه بودن بین زن و مرد برای زنا یا دو مرد برای لواط، خلاصه می‌شود (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۱۰/۷-۳۹۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۵؛ محقق‌حلی، ۱۴۰۹: ۲۴۵-۲۹۵؛ خوانساری، ۱۳۵۵: ۵۲۵/۴-۵۰۰). مشخصاً قانون‌گذار در ارائه تعریف از قوادی، از نظر اشهر فقهاء پیروی کرده و منکر قیادت در بهم‌رساندن زنان برای عمل مساحقه است.

۲-۱-۲- آیه ۲۵ سوره رعد

در آیه ۲۵ سوره رعد آمده است: «و آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را می‌شکنند و هم از آنچه خدا امر به پیوند آن کرده پاک می‌گسلند و در روی زمین فساد و فتنه بر می‌انگیزند اینان را لعن (خدا) و منزلگاه عذاب سخت دوزخ نصیب است». همانطور که از نص و ترجمه این آیه شریفه پیدا است، شأن نزول این آیه در ارتباط با کسانی است که در زمین فسادپراکنی کرده و به دلیل قباحت کارشان، مستحق لعن خداوند گردیده‌اند. با مذاقه بیشتر در آیه مذکور، سه موضوع را می‌توان استخراج کرد. نخست، لزوم وفا به عهد با خدا و ناستوده بودن نقض میثاق. دوم، لزوم برقراری صلح ارحام و عدم قطع رابطه با خداوند و رهبران الهی. سوم، حرمت افساد در روی زمین و ترویج آن در کلیه شؤون اجتماع (شهابی، ۱۴۱۷: ۱۶۹/۱). در خصوص قسمت آخر آیه شریفه، می‌توان بیان داشت آیه مذکور به صراحت اشخاصی را که در زمین ترویج‌کننده فساد هستند، مورد اشاره قرار داده و به طور مطلق فسادپراکنی آنان را در جامعه مورد مجازات سخت قرار داده است؛ بنابراین سخن، به طور مشخص اشخاصی که تحت رفتارهایی مانند قوادی چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی اقدام به ترویج فساد و فحشا در جامعه می‌کنند، مورد لعن و نفرین خداوند قرار خواهند گرفت و علاوه بر مجازات اخروی، بایستی در راستای جنبه عمومی رفتار ایشان، تعزیر دنیوی نیز برای آنان در نظر گرفت. همچنین در خصوص حرمت اشاعه فساد و فحشا، می‌توان به آیات ۳۷ سوره مبارکه شوری، آیه ۱۳۵ سوره آل عمران و آیه ۴۱ سوره روم نیز اشاره نمود که در تمامی این آیات شریفه، خداوند متعال انجام کارهایی که در نتیجه آن فساد و فحشا و بی بندوباری را برای اشخاص و جامعه به ارمغان می‌آورد را مورد مذمت و کراهت شدید قرار داده و عذابی سخت را به مجریان اینگونه اعمال، بشارت داده است؛ بنابراین سخن، جرایمی مانند قوادی که در جوامع امروزی بستر ارتكابی آن فضای مجازی شده و باعث آفای منفی آن بسیار گسترده است، از این قائله مستثنی نخواهد ماند و برای مرتکبین آن، عذابی سخت در آخرت وجود خواهد داشت.

می‌شود. همچنین در پایان آیه شریفه، خداوند متعال اذعان دارد تنها اوست که گستردگی نتایج زیان‌بار و عواقب شوم اعمالی که باعث گسترش فساد و فحشا در جامعه می‌شوند را می‌داند و انسان‌ها از ابعاد گوناگون آن به طور کامل و جامع آگاه نیستند. همچنین اوست که از قلوب و نیت آدمیان آگاه است و می‌داند چه کسی حب این عمل مذموم را در دل دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷/۱۹۵). تفسیر دیگری که می‌تواند به اتقان سخن ما کمک بکند، تفسیر فخر رازی از آیه مذکور است. ایشان در تفسیر این آیه، منطوق آن را عام دانسته و شامل هرگونه انتشار فحشا به هر طریق می‌داند. ایشان اگرچه شأن نزول آیه فوق را در خصوص ماجرای قذف عایشه، همسر پیامبر اکرم (ص)، بیان می‌کنند اما معیار در تفسیر آن را، کلیت الفاظ آیه قرار می‌دهند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹/۱۲۵). از دیگر مفسرین این آیه شریفه، علامه طباطبایی می‌باشند. ایشان دو تفسیر از این آیه ارائه می‌کنند. نخست، تهدید تهمت زندگانی است که قصد انتشار اعمال شنیع و زشتی و فحشا را در جامعه دارند. این تفسیر در ارتباط با آیات قبلی سوره نور می‌باشد. ایشان در این تفسیر، اشاعه فحشا را منحصر در بحث قذف ندانسته و آن را یکی از مصادیق آن می‌دانند. دومین تبیینی که علامه از آیه ارائه کرده‌اند؛ آن است که معنای کلمه فاحشه را به قذف و مفهوم مجازات در آیه را، همان حد شرعی که توسط حاکم اسلامی اجرا می‌شود، تفسیر کنیم (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۲/).

به نظر می‌رسد با عنایت به تفاسیر فوق از آیه ۱۹ سوره نور و همچنین اطلاق الفاظ استعمال شده در این آیه مانند «تشیع الفاحشه» و عدم تقید آن به ویژگی و خصوصیات خاص، می‌توان بیان داشت بحث قوادی که در نتیجه آن، فساد و فحشا در جامعه گسترش یافته و بنیان‌های اخلاقی و معنویت در جامعه دچار تزلزل می‌شوند، مشمول آیه فوق بوده و شخص قواد از منظر قرآن کریم، شخصی گناهکار و مجرم می‌باشد. لازم به ذکر است به دلیل اطلاق آیه و حرمت قوادی در هر زمان و مکانی و به هر شکل و همچنین گسترده بودن نتایج زیان‌بار جرایم منافی عفت حوزه فضای مجازی، آیه مذکور را می‌توان مرتبط با آن دانست.

۲-۲- سنّت

واژه «سنّت» در اصطلاح فقهی، به معنای رفتار، اقوال و تقریرات معصوم (ع) است. فقهای عامه، سنّت را در فعل، تقریر و اقوال رسول اکرم (ص)، خلاصه کرده و منحصر در آن می‌دانند. در فقه امامیه، بحث امامت در راستا و ادامه جریان نبوت و ائمه اطهار (ع)، به عنوان نمایندگان خداوند متعال بر روی زمین هستند؛ لذا اقوال و افعال و تقریرات ائمه اطهار (ع) را نیز از مصادیق سنّت دانسته و مناط استخراج احکام و مبانی آرای فقهی خود قرار می‌دهند (ولایی، ۱۳۸۷: ۲-۱/۲۲۰). در تأیید نگاه فقهای امامیه، می‌توان ادعان داشت در آیات قرآن کریم، بارها به اطاعت از خدا و رسول اکرم (ص) و دستورات ایشان تأکید شده است. همچنین به حکم عقل و قرآن، شخصی که رفتار و کردارش تهی از هرگونه خطا و گناهی باشد، سیره زندگانی و اقوال وی می‌تواند الگو و محل رجوع برای استدلال باشد.

در خصوص حرمت قوادی در لسان معصومین (ع)، احادیث متعددی را می‌توان یافت. در برخی از این احادیث، ائمه معصومین (ع)، به طور مستقیم این رفتار شنیع را مورد مذمت قرار داده و برای آن کیفر مشخص کرده‌اند. در برخی دیگر از احادیث نیز ایشان نسبت مطلق رفتارهای مستوجب اشاعه فساد و فحشا در جامعه و اکنث نشان داده و آن را حرام می‌دانند که برخی از آنان به شرح ذیل می‌باشد:

الف) در ارتباط با احادیثی که به طور مستقیم به بحث قوادی پرداخته است، می‌توان به حدیث پیامبر اکرم (ص) اشاره نمود. پیامبر اکرم (ص) در خصوص حرمت قوادی، می‌فرماید: «من قادی بین رجل و امرأة حراماً، حرم الله علیه الجنة و مأواه جهنم و ساءت مصيراً و لم یزل فی سخط الله حتی یموت» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۰/۱۹۸). مطابق این حدیث، اشخاصی که به قیادت میان زنان و مردان بپردازند، تا زمان مرگ مورد غضب خداوند بوده و هیچگاه بهشت را نخواهند دید! و دلیل آن نیز روشن است؛ چراکه معنویت و اخلاقیات جامعه را از بین می‌برد؛ حال چنانچه شخصی این عمل را حتی در بستر فضای مجازی نیز مرتکب شود، به دلیل گسترده بودن آثار سو این رفتار، بازهم مشمول غضب پیامبر اکرم (ص) و خداوند متعال خواهد بود. امام صادق (ع) نیز در خصوص

حرمت قوادی می‌فرماید: «عن عبدالله بن سنان قال، قلت لابی عبدالله (ع)، اخبرنی عن اقوادی ما حده؟ قال، لا حد علی القوادی، آیس انما یعطى الاجر علیان یقود؟ قلت، جعلت فداک، انما یجمع بین بین الذکر والانی حراماً، قال، ذاک المؤلف بین الذکر و الانثی حراماً؟ قلت، هو ذاک، قال، یضرب ثلاثه ارباع حدالزانی، خمسة و سبعین سوطا و ینفی من المصر الذی هو فیه» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۰/۱۴۵). در ارتباط با حدیث مذکور، سوای از بحث‌هایی که در خصوص اعتبار این حدیث وجود داشته و یا اینکه مطابق حدیث، قوادی منحصر به عمل زنا می‌شود یا خیر؛ امام (ع)، شخص قواد را به طور مطلق مستحق دریافت مجازات دانسته و آن را مقید یا محدود به روش یا صورت خاصی نکرده است؛ بنابراین مطابق حدیث مذکور، قیادت در فضای مجازی نیز همانند فضای واقعی، به دلیل فلسفه جرم‌انگاری این رفتار در اسلام، می‌تواند مشمول مجازات دنیوی شود.

ب) در خصوص روایاتی که به طور غیرمستقیم به بحث قوادی اشاره کرده و به نوعی می‌تواند مرتبط با آن باشد، روایت پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که فرمودند: «کسی که کار زشتی را نشر دهد، مانند کسی است که ابتدا آن را انجام داده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷/۲۰۹). در روایت مذکور، آن حضرت اشاعه کار زشت در جامعه را در حکم انجام آن می‌داند؛ بنابراین به نوعی می‌توان گفت زمانی که یک قواد افرادی را به منظور انجام عمل شنیع زنا یا لواط به دور یکدیگر جمع می‌کند، قیاحت عمل او برابر انجام آن دو عمل است؛ حال این عمل در دنیای واقعی و به صورت فیزیکی صورت گرفته باشد یا در فضاهای نوین امروزی مانند فضای مجازی انجام پذیرد. همچنین یکی از نقل‌هایی که در مذمت اشاعه گناه دیگران از امام معصوم (ع) وجود دارد، پاسخ امام موسی ابن جعفر (ع) به محمدبن فضیل در ارتباط با سؤال اوست. فضیل از امام (ع) پرسیده بود که در قبال خبر ناخوشایندی که از برادر مومنش به او رسیده، چه عکس العملی نشان دهد. معصوم (ع) نیز در این رابطه به او فرمودند که چشم و گوشش را در مورد برادرش تکذیب کند و چیزی را علیه او، شایع نسازد تا جزو آن دسته از کافرانی قرار نگیرد که می‌خواهند میان مردم اشاعه فحشا کنند (کلینی، ۱۴۰۴: ۵/۱۳۹).

نظر به اینکه قیادت در فضای مجازی مستوجب اشاعه گسترده فحشا در جامعه شده و فلسفه حرمت قوادی، جلوگیری از شیوع فساد و فحشا در جامعه است، نمی‌توان از اقوال و اجماع فقها که همگی برگرفته از قرآن و سنت است، به عنوان منبعی برای جرم‌انگاری قوادی در فضای مجازی، بی‌بهره ماند.

۴-۲- عقل

یکی از منابع مبنایی و اصلی در استخراج احکام شرعی عقل می‌باشد. عقل گاهی به عنوان ابزار استنباط احکام شرعی بوده و گاهی خود به عنوان یک منبع استنباط مستقل مطرح می‌شود. عقل به عنوان ابزاری در دست مجتهد به منظور استخراج احکام شرعی، یکی از ابزارهای پرکاربرد و ضروری است و اثرش در استنباط احکام شرعی، غیر قابل چشم‌پوشی است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۵: ۱/۱۲۵)؛ اما در خصوص مستقل بودن آن به عنوان یک منبع شرعی، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. شیخ مفید در رساله اصولیه خود، نخستین بار عقل را به طور ضمنی و غیرمستقیم، به عنوان یکی از ادله استنباط احکام شرعی، معرفی کرده است. ایشان در تعریف عقل می‌فرمایند، «عقل راه معرفت حجیت قرآن و دلائل اخبار است» با این سخن، مشخص می‌شود شیخ مفید تنها به دید طریقت به عقل نگاه می‌کند نه به عنوان یک منبع مستقل فقهی برای استنباط احکام شرعی. اما به طور دقیق‌تر از لسان فقهای متقدم، نخستین کسی که صریحاً عقل را به عنوان منبع استخراج احکام شرعی معرفی کرده است، ابن ادریس حلی می‌باشد که در اثر خود به نام السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، عقل را پس از کتاب و سنت و اجماع، به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی معرفی می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱/۱۲۵). فقهای امامیه معتقد هستند که عقل را می‌توان به عنوان یک منبع مستقل در کنار دیگر منابع اصلی فقه، مستخرجی برای احکام شرعی دانست. در مقابل، اهل سنت عقل را به عنوان منبع مستقل قبول نداشته و آن را تنها به عنوان مستند احکام اصولی، می‌شناسند. به نظر می‌رسد نظر علمای شیعه در خصوص دخالت عقل به عنوان یک منبع شرعی معتبر، اصح بر دیدگاه علمای اهل سنت باشد؛ چراکه به حکم عقل، اشاعه فحشا در

در کنار احادیث فوق، انجام قوادی می‌تواند در قالب مواردی مانند ایجاد مجالس و اماکن برای انجام فحشا و شرکت در چنین مجالسی نیز از مصادیق اعمال اشاعه‌دهنده فساد و فحشا بوده و در این قالب نیز مورد مذمت معصومین (ع) می‌باشد. شرکت در مجالس فحشا باعث نسبیان قرآن و احکام اسلامی شیطانی شده و محل ورود خطوات شیطانی است. امام علی (ع) لَهو را باعث فاسد شدن ایمان آدمی می‌دانند. امام صادق (ع) نیز، هم‌جواری با فرد آوازخوان (به دلیل اهل لَهو بودن) و شرکت در مجالس لَهو و لعب را جایز ندانسته‌اند؛ علی‌الخصوص اگر امر به معروف و نهی از منکر و تغییر اوضاع توسط شرکت کننده نیز میسر نباشد (داداش‌پور، ۱۳۹۳: ۴۷).

۳-۲- اجماع

اجماع در اصطلاح فقهی، به معنای اتفاق فقها یا اهل حل و عقد بر یکی از احکام شرع است. در خصوص حجیت اجماع نزد فقهای امامیه و اهل سنت، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای شیعه بر خلاف اهل سنت، اجماع را به عنوان یک منبع مستقل و هم‌تراز کتاب و سنت ندانسته و صرفاً آن را با اتصال به سنت و از حیث طریقت، به عنوان یک منبع برای استخراج احکام شرعی مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ اما از نظر اهل سنت، اجماع از بقیه منابع مستقل بوده و هم‌ردیف آنان قرار می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱/۱۱۶). در خصوص قوادی، به نظر می‌رسد اجماع در آن، از نوع اجماع مدرکی یا مستند باشد؛ چراکه زمینه دلائل آن، روایت و حکم عقلی بوده و در نتیجه نمی‌توان به طور مستقیم به اجماع استناد نمود (قافی و شریعتی، ۱۳۹۵: ۱/۷۸). سوای از اعتبار یا عدم اعتبار اجماع به عنوان دلیل فقهی مستقل، فقها بالاتفاق نظر به قباحت این عمل داشته و با استناد به منابع فقهی، برای آن تعزیراتی را نیز بیان کرده‌اند. هرچند اجماع در نظر فقه شیعی، از مراتب پایین‌تری نسبت به منابع دیگر مثل قرآن کریم یا سنت اهل بیت (ع) است؛ اما باید توجه داشت دلیل قباحت این عمل و حرمت آن نزد پروردگار و اهل بیت (ع) چه می‌باشد! آیا دلیل حرمت آن، جز این است که مستوجب گسترش فساد و فحشا در جامعه شده و باعث ویرانگری اخلاقی و معنوی در بعد فردی و اجتماعی می‌شود؛ بنابراین

آن است که قوادی مطلقاً چه در فضای حقیقی چه در فضای مجازی، قبیح بوده و باید مورد تحریم قرار گیرد.

۳- ارکان جرم قوادی در فضای مجازی

در کنار مبانی گفته شده در فقه اسلامی در خصوص بحث قوادی، در حقوق ایران نیز به تبعیت از فقه، به دلیل مبنا بودن احکام و مقررات اسلامی در وضع قوانین، مقنن مقرراتی را در خصوص قوادی وضع نموده است که تقریباً همان مواردی است که فقها در خصوص آن بحث نموده‌اند. در ادامه به بررسی ارکان تشکیل دهنده جرم قوادی در فضای مجازی از منظر قوانین کیفری کشور ایران و همچنین کیفیت ارتکاب جرم در آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- رکن قانونی

اولین رکنی که باید در خصوص وجود قوادی در فضای مجازی مورد بررسی قرار گیرد، عنصر قانونی است. چنانچه عنصر قانونی برای قیادت در فضای مجازی پیدا نشود، دیگر ورود به دیگر عناصر بیهوده خواهد بود؛ چراکه دیگر این رفتار به دلیل حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات جرم نیست و به طریق اولی از مرتکب رفتار مجرمانه یا سونیتی نیز نمی‌توان برداشت نمود. عنصر مادی قوادی را می‌توان از کتاب حدود و در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مستخرج نمود.^۱ حال سؤال اصلی این است که آیا می‌توان این ماده را به قوادی در فضای مجازی متسری نمود یا خیر. شاید در نگاه اول به تعریف این جرم، تنها نمودی از قوادی به صورت ساده و سنتی آن دیده شده و سخنی از قوادی غیرفیزیکی و در فضای مجازی نیامده است؛ اما با بررسی مبانی فقهی و اخلاقی وضع این مقرر و عدم تقید حرمت آن به قید یا شرطی خاص و همچنین با مذاقه در واژه «بهم رساندن» و اطلاق و عمومیت استعمال آن در ماده مذکور، می‌توان نتیجه گرفت زمانی که شخص قواد در فضای مجازی از طریق تأسیس یک سایت اینترنتی یا از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، اقدام به رسانیدن افراد به

سرزمین اسلامی می‌تواند باعث انحطاط اخلاقی آن جامعه شده و ارزش‌ها و اعتقادات را از بین ببرد. زمانی که اخلاق دیگر در جامعه و حاکمیت دولت اسلامی رنگ ببازد، هنجارهای جامعه نیز دچار لغزش شده و جامعه دچار از هم‌گسیختگی می‌شود.

نکته‌ای که در پژوهش‌های قبلی در زمینه قوادی دیده نشده است، استنباط حکم کراهت و حرمت آن از طریق عقل و بنای عقلاست. مقدمه لازم برای ورود به این بحث، آشنایی با یکی از اقسام دلایل عقلی یعنی مستقلات عقلیه است. مستقلات عقلیه، بدین معنا است که عقل انسان می‌تواند بدون بهره‌گیری از گزاره‌ها و مقدمات شرعی، حکم شرعی را استخراج نموده و یا آن را اثبات نماید. در تشکیل مستقلات عقلیه، دو گزاره اصلی و مقدمه وجود دارد که با استفاده از آن دو مقدمه، می‌توان به یک حکم شرعی دست یافت. اولین مقدمه، آن است که معتزله و شیعیان معتقد هستند افعال انسان، صرف‌نظر از حکم شرع، می‌تواند دارای حسن و قبح ذاتی باشد و در درون خود، نیکویی یا قباحیت را دارا هستند؛ بنابراین مقدمه اول، حکم عقل به حسن یا قبح برخی از افعال است که در جایگاه صغرای قضیه قرار می‌گیرد. مقدمه دوم که کبرای قضیه است، ملازمه میان حکم عقل و شرع می‌باشد؛ بدین معنا هرچه عقل بدان حکم کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند که به لسان اصولیان «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» نیز بیان می‌شود (قافی و شریعتی، ۱۳۹۵: ۳۰۲/۱). مدرک قاعده ملازمه، آن است که هر مقنن حکیم و مصلحت‌سنجی، براساس حکمت و حکیمانه حکم می‌کند؛ بنابراین شارع مقدس نیز به عنوان بالاترین حکیمان، بدین گونه حکم خواهد کرد (علیدوست، ۱۳۸۵: ۵۷).

حال در موضوع قوادی در فضای مجازی، می‌توان آن را در قالب مستقلات عقلیه بیان نمود؛ بدین توضیح که در مقدمه اول، عقل به طور حتم زشتی و کراهت رساندن اشخاصی را به منظور عمل شنیع زنا یا لواط را درک می‌کند و حکم به قباحیت آن به هر طریق می‌دهد. در مقدمه دوم، قاعده تلازم جاری شده و بیان می‌شود هرچا عقل حکمی دهد، شرع نیز بدان حکمی می‌دهد؛ بنابراین نتیجه و حکمی قابل استنباط

^۱ - ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است»

پذیرفته است؛ حتی اگر برخی قائل به قیاس نیز شوند، به نظر نگارنده قیاس اولویت می‌باشد. زمانی که جرایم مادون حد تعزیری مورد جرم‌انگاری در فضای مجازی قرار گرفته‌اند، از مقنن که ادعای حکمت دارد، بعید است جرم حدی مانند قوادی را در فضای مجازی نادیده بگیرد؛ بنابراین دور از ذهن نیست که با تفسیر غایی قوانین و متناسب با وضعیت امروز کشور نیز، قوادی در فضای مجازی نیز دارای عنصر قانونی باشد.

۲-۳- رکن مادی

۱-۲-۳- رفتار مرتکب

مطابق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، رفتار مرتکب در جرم قوادی، عمل «به‌هم رسانیدن» چندین نفر به منظور ارتکاب زنا یا لواط است (زراعت، ۱۳۸۴: ۴۸۸). در آثار حقوقدانان، چندان به ماهیت عمل «به‌هم رسانیدن» پرداخته نشده است؛ اما در یک نظر، عنصر مادی قوادی منحصر به فعل خاصی نبوده و ممکن است مرتکب دو یا چند نفر را به وسیله تلفن یا حتی آدرس دادن نیز، به یکدیگر مرتبط سازد (زراعت، ۱۳۹۲: ۴۷۸/۱). به نظر می‌رسد لفظ «به‌هم رسانیدن» عمومیت داشته و محدود به مرتبط کردن به صورت فیزیکی یا حضوری نمی‌باشد؛ چراکه مقنن در کنار عمل «به‌هم رسانیدن»، قید یا شرطی را مبنی بر ارتکاب این رفتار به صورت مادی یا فیزیکی، مقرر نداشته و مطلق این عمل را به منظور زنا یا لواط، جرم‌انگاری کرده است. همچنین مطابق این ماده، مقنن با آوردن اصطلاح «به‌هم رسانیدن» و حذف و تغییر دو لفظ قبلی، به قیادت جنبه طریقت داده است تا بتواند تمامی اشکال قوادی مورد جرم‌انگاری قرار دهد. نتیجه استدلال مذکور را می‌توان آن دانست که رفتار فیزیکی لازم برای ارتکاب جرم قوادی در فضای مجازی نیز عمل به‌هم رسانیدن خواهد بود. همچنین رفتار مرتکب بر اساس ماده ۵۲ قانون جرائم رایانه‌ای عمل به‌هم رسانیدن برای زنا یا لواط به وسیله «سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» می‌باشد.

یکدیگر برای عمل شنیع زنا یا لواط می‌کند، اقدامات او را می‌توان منطبق بر ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی دانست.

مؤید نظر فوق را می‌توان در ماده ۵۲ قانون جرایم رایانه‌ای نیز مشاهده نمود.^۱ در ماده مزبور، مقرر شده است چنانچه وسیله ارتکاب جرم، سامانه‌های الکترونیکی باشد و در قانون جرایم رایانه‌ای مقرر خاصی برای آن وضع نشده باشد، مشمول مقررات عام قانون مجازات اسلامی خواهد بود؛ بنابراین زمانی که قوادی به وسیله رایانه یا تلفن همراه در فضای مجازی اقدام به قیادت کرده و اشخاصی را به بستر عمل شنیع زنا یا لواط به یکدیگر مرتبط می‌کند یا در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند تلگرام یا اینستاگرام، کانال یا صفحه‌ای به منظور معرفی روسپیان و جذب کاربران فضای مجازی به آنان می‌کند، این اقدام مصداق ماده مذکور بوده و بایستی به مقررات عمومی حدود، یعنی ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، مراجعه نمود.

لازم به ذکر است جرم‌انگاری اعمال منافی‌عفت در فضای مجازی، در حال حاضر یک امر پذیرفته شده توسط مقنن کشور ایران بوده و مقرراتی نیز به طور صریح در این خصوص وضع شده‌اند. مقنن، در تبصره ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قذف به شیوه الکترونیکی را پذیرفته است. همچنین علاوه بر مواد «۱۴ و ۱۵» قانون جرایم رایانه‌ای، در ماده «۱۰» «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند» به صراحت انتشار آثار مستهجن و مبتذل را از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایت‌های کامپیوتری را جرم‌انگاری نموده است. در بند «۹» از ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز آزار یا ارتباط جنسی نامشروع با طفل و نوجوان در «فضای مجازی» را مشمول مجازات قرار داده است؛ بنابراین نه از باب قیاس بلکه از این نگاه که اعمال منافی‌عفتی مانند قوادی، دیگر از نظر مقنن کشور ایران نیز، محدود به فضای حقیقی نبوده و در مقررات مختلفی آن را

^۱ - ماده ۵۲ قانون جرائم رایانه‌ای: «در مواردی که سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم بکار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش‌بینی نشده است، مطابق قوانین جزایی مربوط عمل خواهد شد»

۲-۲-۳- اوضاع و احوال جرم

یکی از مواردی در هر جرمی باید مورد بررسی قرار گیرد، موضوع آن جرم است. چنانچه موضوع جرم را ارزشی بدانیم که مقنن برای حمایت از آن، مقررات را تدوین کرده است؛ بنابراین در حدود، باید ارزش‌های اسلامی که با ارتکاب آن جرم حدی، مورد خدشه قرار می‌گیرند، موضوع جرم تلقی شوند؛ مانند حد شرب خمر را برای حمایت از «عقل» یا حد زنا یا لواط و حتی قوادی برای حمایت از «نسل» دانست؛ البته چنانچه موضوع جرم را امری که عمل مرتکب بر آن یا در آن واقع می‌شود، تعریف شود؛ در این صورت شناخت موضوعی که جرم بر آنها واقع گردیده است، اهمیت می‌یابد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲/۱). به نظر می‌رسد موضوع جرم قوادی را عفت و اخلاق عمومی دانست؛ چراکه شخص قواد با عمل خود، مستوجب اشاعه فحشا در جامعه شده و در کنار آن، ممکن است به روابط شرعی و حلالی که در اسلام تعریف شده‌اند؛ مانند ازدواج لطمه وارد کرده و در نتیجه، نسل مسلمانان در جامعه کمتر شود.

در خصوص ضرورت وجود عادت و استمرار در قوادی، در قانون سال ۱۳۷۰، مشخص نشده بود که تحقق این جرم مستلزم تکرار است یا خیر؛ بنابراین محل اختلاف بین حقوقدانان بود. در یک نظر، عادت در رفتار و تعدد موضوعات جز عناصر تشکیل دهنده جرم قوادی تلقی گردیده و یک شغل یا حرفه‌ای مستقل محسوب می‌شد (شکری و سیروس، ۱۳۸۳: ۱۹۸؛ گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۳۲۰). و در مقابل، برخی جرم قوادی را برخلاف دایر کردن مراکز فساد و فحشا، جرمی به عادت ندانسته و آن را با یک بار انجام دادن نیز، محقق می‌دانستند (زراعت، ۱۳۸۴: ۲۲۰). قانون مجازات اسلامی جدید به این اختلاف پایان داده و مطابق تبصره دو ماده ۲۴۲ آن، «تکرار عمل» شرط تحقق قوادی نیست. به نظر می‌رسد مقررّه جدید هم از نظر فقهی و هم از نظر حقوقی صحیح‌تر است؛ هرچند ممکن است واژه «قواد» از نظر لغت، ذهن را متبادر به یک عادت و استمرار کرده و منجر به تصوّر یک شخصی که حرفه یا شغل خود را این عمل قرار داده است، بشود؛ اما با مدافّه بیشتر در مبانی فقهی این عمل، هیچ‌یک ارتکاب چندین باره قوادی را ملاک ندانسته و یک مرتبه

برقراری ارتباط میان زنان و مردان به قصد زنا یا لواط را برای تحقق این عمل شنیع، کافی دانسته است. همچنین ارتکاب قوادی در فضای مجازی نیز به دلیل دلیل گستردگی و همچنین مخاطبین زیادی که در آن وجود دارد، ممکن است با یک بار قوادی به قصد تحقق زنا یا لواط نیز منجر به اشاعه فحشا؛ در میان کاربران آن شود؛ لذا قید «عدم لزوم تکرار» در خصوص قوادی در بستر فضای مجازی، مطلوب می‌باشد.

۳-۲-۳- نتیجه جرم

مطابق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، عمل بهم رسانیدن دو یا چند نفر بایستی به منظور «زنا یا لواط» باشد؛ بنابراین هرچند میان فقها در خصوص بزه «مساحقه» اختلاف نظر وجود دارد؛ اما مقنن هم در قانون فعلی و هم در قانون قدیم، به طور صریح از زنا یا لواط نام برده است؛ بنابراین نمی‌توان آن را گسترش داده و به مساحقه نیز تسری داد (زراعت، ۱۳۹۲: ۳۴۳/۱). اما سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود؛ آن است که آیا قوادی در بستر فضای مجازی، جرمی مطلق است یا مقید؟ در نظر اکثریت فقها، قوادی تنها در جمع کردن افراد با یکدیگر به قصد زنا یا لواط بوده و دیگر سخنی از لزوم وقوع عمل زنا یا لواط، به میان نیامده است (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۱۸۷/۲؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۲؛ خمینی، ۱۳۹۰: ۲۲۱/۲) مقابل، برخی دیگر از فقهای معاصر و مراجع تقلید از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله صافی گلپایگانی، بر این باورند که چنانچه عمل فیزیکی زنا یا لواط رخ ندهد، نمی‌توان عمل قوادی را بر فرد رابط، بار کرد؛ گویا اصلاً جرم قوادی در این فرض، سالبه به انتفاع موضوع بوده و به وجود نیامده است (حسین‌نژاد، ۱۳۹۷: ۹۳). همچنین آیت‌الله بهجت نیز، معتقدند چنانچه زنا یا لواط محقق نشود، «قصد قیادت» است نه خود قیادت؛ بنابراین حد قوادی ثابت نمی‌گردد (بهجت، ۱۳۸۶: ۳۰۲). تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقنن در ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، با تعریفی که از قوادی ارائه کرده بود، این جرم را مطلق دانسته و تنها قصد جمع و مرتبط کردن اشخاص را به منظور زنا یا لواط را کافی می‌دانست (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵؛ شکری و سیروس، ۱۳۸۳: ۱۲۱). اما در قانون فعلی، به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴۲ قانون

آن، محقق شود و آن خصیصه، مطابق ماده ۲۱۷ قانون مذکور، عبارت است از «آگاهی به حرمت شرعی رفتار مستوجب حد» جرم قوادی نیز در زمره جرایم حدی قرار گرفته و لازم است برای تحقق عنصر روانی، شرایط فوق احراز گردد؛ بنابراین شخص قواد بایستی آگاهانه و هوشیارانه و بدون هیچ اکراه یا اجباری، جرم قوادی را با علم به اینکه عملی منافی عفت و اخلاق است، در بستر فضای مجازی مرتکب شود. همچنین بایستی به ممنوعیت شرعی این رفتار نیز آگاهی داشته باشد. چنانچه میان قواد و طرفین، وحدت قصد وجود نداشته باشد، نمی‌توان قوادی را محقق دانست؛ مانند اینکه طرفین به تصور اینکه قواد برای ازدواج موقت آنان را مرتبط کرده است اما قواد قصد زنا یا لواط داشته باشد، با یکدیگر جمع شوند، قوادی اثبات نمی‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱/۲۵۰).

نتیجه‌گیری

از نظر مبانی فقهی، نظر به آیات و روایات مرتبط با قوادی، می‌توان قباح و حرمت آن را صورت مطلق و عام دانست؛ بدین توضیح که با مذاقه در آیات، حرمت اشاعه فحشا در جامعه به صورت مطلق گناهی عظیم دانسته شده است؛ در نتیجه قوادی نیز به عنوان یک رفتاری که نتیجه اصلی آن گسترش فساد و فحشا در جامعه است، از نظر خداوند متعال مذموم می‌باشد. در باب روایاتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با قوادی هستند، این عمل به طور مطلق شنیع و قبیح دانسته شده و در هیچ‌یک از آنان، قید یا ویژگی خاصی را برای این عمل مشخص نکرده است که باعث محدود شدن آن به فضای حقیقی گردد. از در تعاریف فقها از قوادی نیز، به طور مشخص مطلق عمل بهم رسانیدن یا مرتبط کردن اشخاص به منظور زنا یا لواط مورد بیان واقع شده است و اختلاف، تنها در مسائلی مانند لزوم تحقق زنا یا لواط یا شمولیت مساحقه به عنوان نتیجه این عمل، می‌باشد و در کلیت حرمت این رفتار، اختلافی نیست. همچنین از باب دلیل عقلی به عنوان مهم‌ترین مستمسک اثبات موضوع، چنانچه قیادت در بستری مانند فضای مجازی صورت پذیرد، به دلیل ویژگی‌های این فضا و گستردگی دامنه تخریب آن، به راحتی می‌تواند در اندک زمانی، باعث نشر فساد و فحشا

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است. همچنین لازم است در ابتدا شرایط تحقق زنا یا لواط حسب مورد احراز شده و سپس به سراغ تحقق یا عدم تحقق قوادی رفت (درگاهی‌خو و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

به نظر نگارنده، رویه قانون سابق، با توجه به مبانی فقهی و حقوقی قوادی، مطلوب‌تر می‌باشد؛ چراکه ریشه جرم‌انگاری رفتارهایی مانند قوادی، فقهی و شرعی بوده و باید برای هرگونه تقنینی در این زمینه، به منابع اصلی آن مراجعه نمود و با مذاقه در نصوص فقهی که به صورت مستقیم مرتبط با قوادی هستند؛ مانند روایت پیامبر (ص) و روایت امام صادق (ع) و همچنین تعریفی که فقها از این جرم داشته‌اند، تحقق جرم مذکور منوط به تحقق عمل فیزیکی زنا یا لواط نبوده و تنها قصد مرتبط کردن اشخاص با یکدیگر به قصد زنا یا لواط کافی است. همچنین از لحاظ حقوقی و منطقی نیز، قوادی به نوعی یک واسطه‌گری حرام شناخته شده است؛ بنابراین صرف اشتغال به آن به قصد مرتبط کردن برای زنا یا لواط، مستوجب مجازات خواهد بود و نباید آن را وابسته به ارتکاب زنا یا لواط دانست. همچنین ممکن است این تقید به نتیجه، ارتکاب اشکال مختلف قوادی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و باعث ترویج این عمل شنیع شود؛ هرچند ارتکاب جرم قوادی به صورت مقید نیز در فضای مجازی ممکن بوده و اشخاص پس از به‌هم رسیدن و آشنایی در فضای مجازی توسط قواد، در مکانی مرتکب زنا یا لواط شوند.

۳-۳- رکن معنوی

جرایم مستوجب حد، در زمره جرایم عمدی هستند؛ بدین معنا که برای تحقق آن، مطابق نص ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بایستی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، قصد مجرمانه او از ارتکاب این رفتار نیز احراز شود. منظور از علم و آگاهی را می‌توان آگاهی مرتکب از ماهیت فعل ارتكابی دانست. همچنین قصد مجرمانه نیز عدم اراده در ارتکاب جرم است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۲۳). همچنین چنانچه جرمی مقید به نتیجه خاصی باشد، وقوع نتیجه یا علم به وقوع آن نیز بایستی اثبات گردد. در باب جرایم حدی، یک ویژگی دیگر نیز بایستی در عنصر روانی

سه‌م نویسندگان:

مصطفی شیبانی: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله
محمدرضا رحمت: ارائه ایده و موضوع.

محمد مهدی برغی و حمید روستایی‌صدرآبادی: معرفی منابع.
کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش
حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از اساتید گرامی که در تدوین و
ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شدند، قدردانی نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام
گرفته است.

منابع**الف. فارسی و عربی**

- ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸). *الوسيلة الى نيل الفضيلة*.
الطبعة الاولى، قم: مطبعة الخی‌ام.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. الطبعة
السادس، بیروت: دارالفکر.
- بهجت، محمد تقی (۱۳۸۶). *استفتائات*. الطبعة الرابع، قم:
دفتر آیت الله بهجت.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳).
مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الاسلام. الطبعة الثامن، قم:
مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۹۲).
شرح لمعه. ترجمه علی شیروانی، چاپ دوازدهم، قم: مؤسسه
انتشارات دارالعلم.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعه الى
تحصيل مسائل الشریعه*. الطبعة الخامس، بیروت: دار الاحیاء
التراث العربی.
- حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۷). «تأثیر حصول نتیجه در
مطلق یا مشروط بودن قوادی». *مجله مطالعات فقه و حقوق
اسلامی*، ۱۸(۱۰): ۹۳-۱۳۲

به طور گسترده در میان کاربران فراوان فضای مجازی گردد؛
بنابراین بنا به حکم عقل و مقتضیات و شرایط حاکم بر زمان
حاضر، می‌توان قوادی در بستر فضای مجازی را متصور بود.
بنابر توضیحات مذکور، از نظر اصول و مبانی فقهی، ارتکاب
قوادی محدود به مختصات خاصی نبوده و در بستر فضای
مجازی نیز جرم می‌باشد. همچنین با عنایت به پویایی فقه
اسلامی و عدم محدودیت آن به زمان یا مکان مشخص، نباید
این آیات و روایات را محدود به جرایم سنتی یا هزار و
چهارصد سال پیش دانسته و باید متناسب با نیازهای روز بشر
آن را تفسیر کرده و در وضع قوانین و مقررات، به‌کارگیری
نمود.

از باب حقوقی نیز همانطور در ارکان سه‌گانه جرم قوادی نیز
مورد بررسی قرار گرفت، هر سه عنصر این جرم قابلیت تحقق
و بروز و ظهور را در فضای مجازی دارا می‌باشند. در ارتباط با
عنصر قانونی، اطلاق عبارات به‌کار رفته در ماده ۲۴۲ قانون
مجازات اسلامی و عدم تعیّد عمل «بهم رسانیدن» به فضای
حقیقی، خود گویای حرمت این عمل از جانب مقنن در
هرگونه فضا یا شکلی است. همچنین در ماده ۵۲ قانون
جرایم رایانه‌ای نیز، ارتکاب جرایم موضوع قانون مجازات
اسلامی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی پیش‌بینی
شده و مجازات‌های آن به مقررات عمومی جزایی، احاله شده
است. در ارتباط با عنصر مادی، برقراری ارتباط با دو شخص
به منظور عمل شنیع زنا یا لواط، لزوماً فیزیکی نبوده و در
جامعه امروز به دلیل حاکمیت فضای مجازی، این اعمال به
صورت غیرحضور و مجازی صورت گرفته و همچنین از ما
نحن فیه ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی نیز این امر
برداشت می‌شود. در خصوص عنصر روانی قوادی در فضای
مجازی نیز، علاوه بر شرایطی مانند علم به موضوع و قصد
مجرمانه، بایستی حرمت عمل ارتکابی توسط قواد احراز گردد.
چنانچه در تحقق هر یک از عناصر جرم، ایجاد تردید شود؛
مانند اینکه نتوان عمل به هم‌رسانیدن را به افعال مؤسس یا
مدیر کانال یا سایت نسبت داد یا نتیجه جرم، یعنی زنا یا
لواط، در عالم واقع رخ ندهد، بنابر قاعده دره، حد قوادی اثبات
نخواهد شد.

- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسيله*. الطبعه الثالث، نجف اشرف: دار الکتب العلمیه.
- خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵). *جامع المدارک*. چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدوق.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۷). *مبانی تکمله المنهاج*. ترجمه علی مددی، چاپ دوم، قم: انتشارات حقوق اسلامی.
- داداش‌پور، کریم (۱۳۹۳). «مبانی جرم انگاری اماکن و مراکز فساد و فحشا در سیاست جنایی ایران». *فصلنامه فقه و مبانی - حقوق اسلامی*، ۴(۷): ۴۷-۶۶.
- درگاهی‌خو، حمید و احمدی، امین (۱۳۹۵). *شرح جامع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. چاپ سوم، تهران: انتشارات ارشد.
- زبیدی، سیدمحمد (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. الطبعه العشر، بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر و التوزیع.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات ققنوس.
- سیدمرتضی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۵). *الانتصار*. الطبعه الثاني، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۲۲). *المسائل المنتخبه*. الطبعه الثالث، قم: دفتر معظم‌له.
- شرتونی، سعید الخوری (۱۸۸۹). *اقراب الموارد*. الطبعه الاولى، بیروت: مطبعه المرسلی.
- شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۳). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*. چاپ سوم، تهران: نشر مهاجر.
- شهابی، محمود (۱۴۱۷). *ادوار فقه*. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیرالقرآن*. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). *مجمع‌البحرین*. ترجمه سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابی‌جعفرمحمد (۱۴۰۰). *النهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ دوم، بیروت: نشر دارالکتب العربی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷). *اللمعه التمشقیه*. الطبعه الثالث، بیروت: دارالتراث.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *فقه و عرف*. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- عمید، حسن (۱۳۶۹). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فخررازی، فخرالدین (۱۴۲۰). *تفسیر الرازی*. الطبعه الثالث، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید (۱۳۹۵). *اصول فقه کاربردی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- کلینی، محمدابن‌یعقوب (۱۴۰۴). *اصول الکافی*. الطبعه الثامن، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). *محتسای قانون مجازات اسلامی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- محقق‌حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین‌جعفربن‌حسن (۱۳۷۴). *شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال*. الطبعه الثاني، تهران: انتشارات اعلمی.

- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۹).
المختصر النافع فی فقه الامامیه. الطبعة الثالث، تهران:
الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعته.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). مباحثی از اصول فقه.
چاپ پانزدهم، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المقنعه. الطبعة الاولى، قم:
کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). انوارالفقاهه (کتاب حدود و
تعزیرات). چاپ ششم، قم: انتشارات مدرسه امام علی ابن ابی
طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. چاپ بیست و
دوم، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۰). جواهرالکلام (حدود و
تعزیرات). ترجمه اکبر نایب‌زاده، چاپ هفتم، تهران: انتشارات
خرسندی.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۶). درآمدی بر
حقوق جزایی عمومی. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات
میزان.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). اصول فقه. چاپ دوم، قم: انتشارات
دارالفکر.